

محکومیت مشروط = فروع تضائی = آزادی مشروط

باقبول اینکه جامعه حق مجازات و تنبیه بزهکار را دارد باید متوجه این مطلب بود که چرا مجرم را مجازات میکنند و فلسفه تنبیه و کیفر او چیست؟ این سؤال همیشه باید مد نظر دادرسی جزائی باشد و باتوجه بعلت غائی مجازات درباره هر متهم اتخاذ تصمیم کند. پاسخ سؤال مزبور نسبت به پیشرفت تمدن بشر فرق کرد: در بدو امر ملاک مجازات مجرم حس انتقام و کینه توزی بود. (قانون هامورابی کلدانی در قوانین موسی - چشم برای چشم - دندان برای دندان). سپس مراحل مختلف و طولانی طی نمود تا امروز که کلیه علماء حقوق اجتماع و حقوق جزا بر این عقیدت اند که مجازات برای اصلاح فرد مجرم و دفاع جامعه در مقابل ارتکاب جرم است. گرچه این اصل خیلی نوین است ولی کتاب مقدس آسمانی مقرر آن فلسفه مجازات را همین دفاع جامعه دانسته و در آیه شریفه «ولکم فی القصاص حیوة یا اولالباب» این منظور را بیان داشته که حیوة و بقاء جامعه وابستگی بمجازات مجرم و اصلاح و تنبیه او دارد.

چون منظور کیفر بزهکار بطور صریح و روشن معین است بالضرورة موضوع آزمایش فردی مجرم باید مورد توجه قاضی جزائی قرار گیرد که بادر نظر گرفتن سوابق و اوضاع و احوال او چه مجازاتی ویرا متنه خواهد کرد و جامعه چگونه در امان قرار خواهد گرفت. گاه اتفاق میافتد که صرفاً «تهدید مجرم برای عدم ارتکاب جرم بعدی نه تنها کافی است بلکه شرط لازم عدم تکرار است چنین مجرم نباید زندان را ببیند و فقط

هیولای محکومیت و سلب آزادی مانع لغزش و خطای بعدی او خواهد شد و اگر او را بزندان بیفکنند و آن هول و هراس ورعی که از زندانی شدن دارد مرتفع گردد پس از رهایی قطعاً مرتکب جرم جدیدی شده و کم کم مجرم عادی و خطرناک خواهد شد.

سیاست جزائی یکی از دقیق ترین و حساس ترین قسمت های علم حقوق جزا است که بِنفع جامعه عموم شاعلین مقام قضا و دادرسان جزائی باید کاملاً با آن واقف بوده و خط و مشی کار خود را با این سیاست مطابقت دهند تا ب نتیجه مطلوب برسند.

اهمیت این مطلب بقدری زیاد شد که مقنن اغلب کشورهای راقیه در قوانین جزائی خود آناری از این سیاست گذاشته و دستورات کلی و عام داده و در سایر کشورها اساساً دست قاضی را برای اجراء منظور فوق بطور کلی باز گذاشته اند - بحث فعلی ما درباره مقرراتی است که بمنظور جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرم و دفاع جامعه وضع و تدوین شده است.

۱- محکومیت مشروط: یکی از مقررات سیاست جزائی تعلیق مجازات

مجرمی است که بموجب حکم محکمه جزا محکوم بحبس شده است - قاضی جزائی اجراء مجازات را در شرائط مخصوصی برای بعضی از متهمین تعلیق مینماید برای روشن شدن امر عین ماده ۴۷ قانون مجازات عمومی ذکر میشود * شخصیکه بموجب این قانون بواسطه ارتکاب جنحه محکوم بحبس شده است در صورتیکه سابقاً بواسطه ارتکاب جنحه یا جنایتی محکوم نشده باشد محکمه میتواند قظر باخلاق و احوال مجرم و دلائل موجه اجراء مجازات را نسبت باو معلق دارد * مقنن در ماده بعدی شرائط تعلیق را بیان میکند که محکوم علیه اگر در مدت ۵ سال از تاریخ قطاعت حکم بجنحه یا جنایت جدیدی محکوم شود حکم سابق ملغی و کان لم یکن خواهد شد و الا هر دو حکم درباره او اجراء خواهد گردید، رئیس محکمه موظف است این مطلب را بمحکو علیه تذکر دهد.

میتکر قانون محکومیت مشروط سناتور برانژه فرانسوی است که قانون

مزبور بنام او مشهور شده و در تاریخ ۲۶ مارس ۱۸۹۱ گذشت و قانون مجازات ایران

تعلیق مجازات را از آن قانون اقتباس کرده باین اختلاف مهم که در قانون فرانسه دادگاه جزائی مجازات هر متهم بدوی را که بجهت یا غرامت محکوم شده میتواند تعلیق نماید و حال آنکه قانون ایران فقط در امر جنحه قبول کرد و حسبهای جنائی قابل تعلیق نیست و علاوه چندسال پس از تصویب قانون مجازات ایران - سیاست پلیس که حکمفرما بوده وزیر عدلیه وقت را بر آن داشت که قانونی بتاریخ بهمن ماه ۱۳۰۷ از مجلس گذرانده و موارد تعلیق را در امور جنحه هم محدود نماید و این یکی از لطافت بزرگی بود که در قسمت قانونگذاری رخ داده و صرفاً معلول اثرات حکومت ترور بود .

قبل از بحث در قانون ایران بی مناسبت نیست نظری بقوانین سایر دول در این قسمت بیفکنیم .

در انگلستان رویه ایست بنام رکگنایزنس Recognizance که از قدیم الایام بین قضاة مرسوم بود و بموجب آن قاضی جزائی میتواند در بعضی از موارد که جرم زیاد مهم نیست با توجه باخلاق و روحیه مجرم و مخصوصاً بادر نظر اینکه اولین بار است که به پیشگاه عدالت جلب شده محاکمه را معلق نموده و اساساً از صدور حکم مجازات درباره وی خودداری کند - متهم مکلف و متعهد میشود که از تکرار جرم در مدت معینی خودداری و ضمانتی برای اجراء این تعهد بسپارد علاوه تحت مراقبت « افسران مراقب » سپرده میشود که گزارش رفتار او را بمراجع صالحه میدهند - اگر در خلال مدت مزبور از متهم عملی که مستوجب مجازات باشد سرزند که قاضی پرونده او را مختومه تلقی کرده و حکمی صادر نخواهد کرد ولی اگر بتعهد خود وفا نمود این بار در مقابل دادگاه حاضر شده و بجرم سابق و کتونی او هر دو رسیدگی میشود .

بلاکاستون میگوید « تعلیق محاکمه جزائی یا تعلیق مجازات بمنزله يك دینی است بر عهده متهم که باید با حسن رفتار خود و عدم ارتکاب گناه ذمه خود را در مقابل جامعه بری نماید »

در قانون مجازات کشورهای نروژ - اتازونی - ساکس همین رویه با اختلاف

و تفاوت ناچیزی دیده میشود .

پس از آنکه فرانسه در سال ۱۸۹۱ تعلیق مجازات را قبول کرد و عملاً بموجب آمار دقیق ملاحظه شد که با اجراء قانون تعلیق - تکرار جرم بعد بسیار قابل توجهی نقصان یافت سایر کشور ها رویه فرانسه (تعلیق مجازات نه تعلیق محاکمه) را پذیرفته و بترتیب دول سوئیس - پرتغال - نروژ - ایتالیا - سوئد - اسپانی - هلند - فنلاند - برزیل - چین - یوگوسلاوی قبول کردند . در سال ۱۹۰۴ دولت ایران در سال ۱۳۱۲ دولت لهستان و بالاخره در سال ۱۳۱۷ دولت مصر قانون تعلیق مجازات را در قوانین جزائی خود وارد کرد .

در این مختصر نگارنده فرصت آنرا ندارد که آمار دقیقی از نتایج بسیار مفید حاصله از تعلیق مجازات که موجب نقصان قابل ملاحظه تکرار جرم گردد بدهد ولی چنانچه در بالا اشاره شد با اجراء این سیاست جزائی که صرفاً با اختیار قاضی گذاشته شده منظور مقنن که اصلاح مجرم و دفاع جامعه است بهترین وجه انجام گیرد .

چند سال پس از گذشتن قانون مجازات عمومی ایران قانون بهمن ماه ۱۳۰۷ موارد تعلیق را محدود و با شمارش چند ماده از قانون مجازات عمومی (بدون آنکه هیچگونه مالک و مستند منطقی برای آن داشته باشد) تعلیق را در مواردی جایز و در باره از موارد غیر قابل قبول تشخیص داد و متأسفانه این عمل بیهوده تاکنون نیز در قانون باقی مانده چه وزیر عدلیه وقت گمان میکرد تعلیق صرفاً يك ارفاق بمتهم است و چون شرایط زمان ایجاب میکرد که رعب و وحشت در افراد تولید شده و هیولای حبس و زندانی بالای سر هر کس باشد طی يك ماده واحده موارد تعلیق مجازات را محدود نموده و حال آنکه چنانچه عرض شد . تعلیق مجازات صرفاً برای ارفاق بمتهم نیست بلکه برای نزدیکی بمنظور واقعی مجازات است که با تعلیق مجازات بدرجات بهتر اجراء مجازات بهدف اصلی میتوان رسید . امیداریم که در اصلاحات کنونی قانون جز ارفع این نقیصه شده و قدم موثری در جلوگیری از تکرار جرم برداشته شود .

۲- عفو قضائی - قانون تعلیق مجازات آنقدر اثرات رضایت بخش از خود

داد که مقنن بعضی از کشورها را باین فکر انداخت که اساساً قاضی بتواند درباره بعضی از مجرمین و بانوجه دقیق باو ضاع واحوال آنها شرائطی که موجب ارتکاب گناه شده اساساً اجراء مجازات را بدون هیچگونه قید و شرط معاف دارد و باینک تذکر شفاهی متهم را آگاه نماید که این بار او را میبخشد و دیگر مرتکب اعمالی نظیر آن نشود. در سال ۱۹۱۸ طرحی مبنی بر عفو قضائی بیارلمان فرانسه داده شد ولی با اکثریت کمی رد گردید. در طرح کنونی قانون مجازات فرانسه (ماده ۵۸) عفو قضائی برای صغار تا ۱۸ ساله در نظر گرفته شده. در قانون جزای ایتالیا این عفو قضائی بنام آدمونیسین Admonition موجود است که قاضی با توییح شفاهی متهم را از تکرار عمل بر حذر داشته و برای او هیچگونه مجازاتی تعیین نمیکند. در قانون جزای کلمبیاهم عفو قضائی (مخصوصاً برای صغار) وهم تعلیق مجازات موجود است.

در قانون ایران ما اثری از عفو قضائی نداریم و حال آنکه واقعاً در پاره ای از موارد بجاست که قاضی بتواند از این ارفاق بمتهم استفاده نماید بدیسی است با اصلاح قانون تعلیق مجازات شاید ما احتیاجی بعفو قضائی نداشته باشیم.

۳ - آزادی مشروط - یکی دیگر از مقررات سیاست جزائی که باز برای جلوگیری از تکرار جرم و فساد اخلاق محکوم در زندان منظور گردیده. آزادی مشروط میباشد. در اینجا هم مانند تعلیق. متهم از مجازات معاف میشود با این اختلاف که در تعلیق اساساً متهم زندان را نمیبند و حال آنکه در آزادی مشروط فقط مقداری از قدرت مجازات تعلیق میگردد که متهم قسمتی از مجازات را دیده و برای بقیه در شرائط مخصوص بقید شرط معاف میشود.

مقررات آزادی مشروط موجب آن میشود که متهم سعی کند در زندان روبه رفتار خوب داشته باشد عملانات کند که از کردار خود پشیمان بوده و روحیه او طوری است که بامدت زمانیکه حبس شده کاملاً اصلاح گردیده و دیگر گرد اعمال بد نخواهد گشت. وقتی متهم میتواند از آزادی مشروط استفاده کند که لااقل سه ماه در زندان مانده و اگر میزان محکومیت او از ششماه بیشتر است باید نصف مجازات

را تحمل کرده باشد و علاوه طرز رفتار و روحیه او و گزارش که زندان درباره او میفرستند بسیار مؤثر است .

در قانون ایران آزادی مشروط نیست - فقط همان قانون عفو و بخشودگی است که رئیس قوه مجریه میتواند تا ربع مجازات را تخفیف داده و یا آنکه یکدرجه مجازات را پائین آورد - متأسفانه آنطور که باید و شاید وضعیت متهم از نظر روحیه و رفتار او مورد دقت قرار نمیگیرد و مقررات فعلی عملاً برای منظوری که بآن اشاره شد کافی نخواهد بود. ما بایک امر فنی و عملی مواجهیم و باید ملاک کار و عمل خود را تجربه دیگران و نتایج حاصله از اقدامات علمی قرار دهیم تا بمنظور اصلی برسیم . باز امیدواریم که در اصلاحات اخیر تمام این امور مورد دقت مراجع صلاحیت‌دار قرار گیرد .

